

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهشنامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ  
سال سیزدهم، شماره‌ی پنجم و یکم، بهار ۱۴۰۱، صص ۵۵-۸۵  
(مقاله علمی - پژوهشی)

## ریشه‌یابی خاستگاه تاریخی، موقعیت و نوع پوشش شاطران در مراسم تعزیه عاشورا در روستای جَزَن دامغان

مصطفوی طوسی<sup>۱</sup>

### چکیده

در روستای جَزَن، در روز عاشورا، شاطرانی با پوشش خاص در نماد فرشته، جلوی اسب امام حسین و یارانش می‌دوند و راه را باز می‌کنند. بررسی پوشش شاطران فرشته‌نما و سیر تغییرات آن و جایگاه شاطران در بستر تاریخی، هدف اصلی این پژوهش است. این پژوهش به روش توصیفی- تاریخی، سیر تطور نوع پوشش و جایگاه شاطران را در روستای جَزَن از دوره باستان تا دوره معاصر بررسی می‌کند. در این پژوهش علاوه بر اسناد تاریخی، از شواهد تصویری سفرنامه‌ها، نگاره‌ها و تحقیقات میدانی نیز استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که در دوره باستان و اوایل دوره اسلامی، شاطران از نظر نوع پوشش و جایگاه، به عیاران و پهلوانان شباهت داشته‌اند. در دوران صفویه، قاجاریه و پهلوی، شاطران در خدمت اقشار بالای جامعه بوده‌اند و طرح و رنگ پوشش آنها، با عوامل اجتماعی و ورود فرهنگ بیگانه ارتباط داشته است. در دوره معاصر، شاطران در فرهنگ مردمی بازتاب داشته‌اند و در عزداری عاشورا با پوشش سیاه و سبز نمایان شده‌اند. پوشش نمادین آنها گویای اعتقادات مذهبی و سنت فرهنگی است. پوشش‌های مشترک نمادین و دویدن در رکاب بزرگان در دوره‌های تاریخی، نشان از موروثی بودن و اهمیت نقش شاطران در مراسم تعزیه است که تاکنون برجای مانده است.

واژه‌های کلیدی: شاطر، دوره‌های تاریخی، پوشش شاطران، تعزیه، روستای

جزَن

۱. عضو هیئت علمی دانشکده هنر دانشگاه سمنان samira.toosi@semnan.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۴ - تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۲/۲۰

## مقدمه

توجه به قاعده‌مند بودن پوشش با ویژگی نمادین و قراردادی آن، به اصیل بودن فرهنگ و مظاهر فرهنگی کمک می‌کند. در گذشته، شاطری یک شغل بود و شاطرها پیادگانی یودند که با لباس‌های چند رنگ و کلاهی چون تاج بلند و عصا، پیشاپیش شاهان راه می‌رفتند. تحولات اجتماعی در طی زمان موجب شد که شغل شاطری از رونق بیفتند. امروزه، شاطری فقط در روستای جزن دامغان و در مراسم تعزیه روز دهم محرم، با پوشش خاص فرشته‌نما و دویدن در رکاب بزرگان دین، به صورت نمادین اجرا می‌شود. در این تحقیق، جایگاه و نوع پوشش شاطران در روستای جزن در دورهٔ معاصر و نیز دوره‌های تاریخی گذشته بررسی و شباهت‌ها و تفاوت‌ها و دلایل تغییرات آن بازگو می‌شود. مقاله حاضر در پی پاسخ به سه سوال است: ۱. نوع پوشش شاطران در روستای جزن چگونه است؟ ۲. تفاوت‌ها و شباهت‌های پوشش شاطران در دوره‌های تاریخی چگونه بوده است؟ ۳. جایگاه شاطران در مراسم عاشورا و دیگر مراسم تاریخی چگونه بوده است؟ در این پژوهش تلاش می‌شود که با دسته‌بندی چهار دورهٔ تاریخی و توصیف نوع پوشش، ابهامات موجود دربارهٔ خاستگاه تاریخی شاطران برطرف و جایگاه آنها در دورهٔ معاصر مشخص شود. گفتنی است که ارزش شاطران در آداب پوشش و حفظ مقام ارزشمند آنهاست.

در زمینهٔ مطالعات تخصصی دربارهٔ شاطران، آثاری چند قابل ذکر است. از قدیمی‌ترین آثار مکتوب دربارهٔ شخصیت شاطرانی که همانند عیاران عمل می‌کردند، به داستان‌های مردمی فارسی باید اشاره کرد. داربزنامه اثر محمد بیغمی (۱۳۴۱) از جمله آثار مکتوب در خصوص شیوه و راه و رسم شاطران است که آنها را هم ردیف با پهلوانان و عیاران توصیف کرده است. از دیگر مطالعات در این باره، کتاب‌های تاریخ و فرهنگ زورخانه اثر غلامرضا انصاف‌پور (۱۳۵۳)، نقش پهلوانی و نهضت عیاری در تاریخ اجتماعی و حیات سیاسی ملت ایران و تعریف زورخانه اثر کاظم کاظمینی (۱۳۵۳) است. کتاب اخیر، به بنیادهای ورزش باستانی ایران و محترم شمردن آئین عیاری و فتوت پرداخته است. حسین میرجعفری (۱۳۵۶)، در مقاله‌ای با عنوان «شاطری و شاطردوانی در عصر صفویه با نگاهی به سفرنامه‌ها» بیشتر به شغل شاطری پرداخته

است. در سفرنامه‌ها به پوشش شاطرانی اشاره شده که در خدمت بزرگان بودند. سفرنامه ژان باتیست تاولرنسیه (۱۳۶۳) و سیاحت‌نامه ژان شاردن (۱۳۶۳) از آن جمله است. مهران افشاری و مهدی مداینی (۱۳۸۸) در کتاب چهارده رساله در باب فتوت و اصناف، در فصل «رساله شاطران»، شاطران را جزو فتیان و جوانمردان برشموده‌اند و به ارتباط پوشش شاطران با بزرگان و یاران رسول اکرم اشاره کرده‌اند. از متأخرترین منابع مکتوب به پژوهش مهران افشاری با عنوان شاطر (۱۳۹۸) باید اشاره کرد. در این پژوهش، با اشاره به داستان‌های کهن و رساله‌های دوره صفوی و قاجار، به صورت کلی به پوشش و مقام شاطران پرداخته شده، اما دلایل تغییر پوشش شاطران و نوع پوشش آنها را در دوره پادشاهان مختلف به تفکیک بازگو نشده است. به گفته افشاری، رسم شاطری در اواخر دوره قاجار منسوخ شده است. در هیچ یک از منابع پیش‌گفته، به پوشش شاطران در مراسم تعزیه و دلایل تغییر پوشش‌ها پرداخته نشده است.

پژوهش پیش رو، به شیوه توصیفی - تاریخی انجام شده و داده‌های آن با جست‌وجو در منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی، مشاهده آثار و به صورت میدانی جمع‌آوری شده است. در این مقاله برای تجزیه و تحلیل پوشش و موقعیت شاطران در دوره‌های تاریخی، نگاره‌های شاهنامه طهماسبی، نگاره‌های موزه متروپولیتن، نقاشی‌های موجود در سفرنامه‌ها، تصاویر مربوط به دوره قاجار، تصاویر مراسم تعزیه روستای جزن دامغان در سایت‌های خبرگزاری‌ها و تصاویرگرفته شده به صورت میدانی استفاده شده است.

### معانی و تعریف شاطر با توجه به پوشش و موقعیت

«شاطر مردی چست و چالاک است که با لباس مخصوص، پیش‌پیش شاهان و امیران راه می‌رود و یا نامه‌ای را به سرعت به مقصد می‌رساند.» (معین، ۱۳۸۲: ۱۶۳۴) «نوعی پیادگان با لباس‌های چند رنگ و کلاهی چون تاجی بلند که پیش‌پیش شاهان پیاده رفته‌اند در قدیم پیک و قاصد بوده‌اند.» (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۲۰۰۷) «شاطران قدیم به عیاران شباهت داشته و همانند آنان زیرک بوده‌اند و گویا شاطران بقایای شطاران بوده‌اند» و شطاریه فرقه‌ای از صوفیه اسلامی در قرون هشتم و نهم هجری بوده است (شیرازی، ۱۳۸۳: ۱۵۲). شغل شاطران بیشتر ارشی بود و از پدر به فرزند منتقل می‌شد. از

آغاز عهد مشروطیت به سبب رواج کالسکه و ماشین، استخدام شاطر در دستگاه دولت و رجال برافتاد. «اکنون حرکت دستهای از شاطران پیشاپیش دسته‌های عزاداری عاشورا بقایایی از آن رسم است که به یقین پس از صفویه به دسته‌های عزاداری ملحق گشته است.» (ذوق‌الفاری، ۱۳۷۲: ۳۲)

**پیشینه پوشش شاطران در دوران قبل از ظهرور اسلام تا قرن نهم هجری قمری**

در کتاب مینو خرد پهلوی باب ۴۳، با توجه به فلسفه و جهان‌بینی ایرانیان در دوران باستان که فلسفه مبارزه است، برای تجهیز پهلوانان و یاران اهورامزدا در جنگ با اهربیمن چنین ندا داده شده: «روان دانش را بر خود بیاراید و جامه اعتماد به نفس و اطمینان بر تن کنید و سپر راستی و درستی در دست بگیرید و با گرز سپاس و کمان تدارک آماده به جنگ با اهربیمن بشتابید» که اشاره به پوشش ورزشکاران باستانی دارد. احساسات ضد اهربیمنی و جانبداری از اهورامزدا، بعد از ظهرور اسلام، در کسوت عیاری و به صورت لعن بر غاصبان خلافت و ستایش علی(ع) نمایان شد و در پیشبرد این شعارها بیش از همه، عیاران و شاطران راسخ بودند. از وجوده تشابه عیاران و شاطران به ورزشکاران باستانی این نکته قابل ذکر است که عیاران و شاطران به پیروی از حمزه سیدالشهداء در نهایت از خود گذشتگی، با بدنه برهنه به میدان می‌رفتند و فقط لنگ برکمر خود می‌بستند. سابقه لنگ بستن هم از دوره باستان به عیاران رسیده است. شلوارهای باستانی که امروزه در پای پهلوانان می‌بینیم از نوع پیش‌بندی است که شاطران در موقع جنگ می‌بستند (انصافپور، ۱۳۵۳: ۱۴-۱۳).

از بعضی داستان‌های مردمی فارسی، مانند داراب‌نامه بیغمی برمی‌آید که دست کم از حدود قرن هشتم هجری قمری / چهاردهم میلادی، گروهی از عیاران همچون شاطران عمل می‌کردند و در رکاب شاهزادگان و بزرگان و یا پیشاپیش آنان می‌دویدند و یا در حال دویدن پیام می‌رساندند. برای نمونه مشخصاتی که نویسنده داراب‌نامه برای طارق عیار برمی‌شمارد، تقریباً همان ویژگی‌هایی است که یک شاطر دارد. به روایت این کتاب، «طارق عیار نیم‌تنه زربفت پوشیده، کمند ابریشمین در گرد کمر درآورده، دو خنجر سربر از بند کمر درآویخته، ۲۴ زنگوله زرین از پیش ناف درآویخته، نجخی

(تبرزین) زرین بر دوش گرفته و در پیش مرکب بهزاد دوان گشته بود تا به دمشق رسیدند» (۱۳۳۹: ۸۸۲-۸۸۱).

در قرون هفتم تا نهم هجری قمری که دورهٔ تسلط مغولان و تاتاران بر ایران است، شاطران در موقع عادی که مملکت ثبات سیاسی و اجتماعی داشت، در سازمان‌های منظم و تشکیلات دولت خدمت می‌کردند. اما فرصت بروز قدرت نمی‌یافتد و فقط در موقع تسلط بیگانگان به جرگه عیاران در می‌آمدند (انصافپور، ۱۳۵۳: ۱۶-۱۷).

### پوشش شاطران در آیین فتوت

آداب و آیین شاطران بعد از اسلام، به همان شیوه عیاران و پهلوانان کشتی‌گیر بوده است. تقوی، طهارت، صداقت، امانت و دیگر خصال پهلوانی را به پیروی از مکتب فتوت در کسوت خود داشتند (محجوب، ۱۳۷۱: ۱۱). در «رسالهٔ شاطران» کتاب رموز حمزه و ماجراهای عمره عیار، به این خصایص اشاره شده است. در این کتاب، عمروبن‌امیهٔ ضمری را پیاده رکاب و پیک حمزه بن عبدالملک نام می‌برد که به عنوان پیر شاطران برگزیده شده بود. پوشش عمره در این رساله به این شرح است: «سینه‌پوش یا نیم‌تنه می‌پوشید که آن را جبرئیل از بهشت آورده است. او قطوره یا لباس کوتاهی با بندهای زیاد می‌پوشید و بر ۷ جای آن ۷ سورهٔ قرآن نوشته شده بود. مرّس یا ریسمانی ۱۲ رشته به نشانهٔ ۱۲ امام، به کمر و گردن خود می‌بست که نشانهٔ صلاحیت و قدم بر کار خیر نهادن بود. از آنجاکه عارفان و شاطران باید صدای زنگ خود را بشناسند، او نیز زنگی به کمر می‌بست». زنگ حیدری<sup>۱</sup> بستن به بازو و دامن و کمر توسط شاطران، با زنگ بستن به بازو توسط پهلوانان عالی مقام شباهت دارد. پیش‌بند و یا نطبعی بستن، با بستن لنگ و تمرين دو شلنگ اندازی، با شلنگ تخته در گود شباهت دارد. داشتن نیرومندی و ورزیدگی، سلسلهٔ شاطران را با تاریخ زورخانه پیوند می‌دهد. عمره تاج و کلاه تباله<sup>۲</sup> بر سر می‌گذاشت و «یکه‌پری» بر سر می‌زد. لنگی بر کمر می‌بست که از چهل تنان و از سلمان فارسی بر او حواله شده بود. پنجه‌پیچ، سینه‌پوش و پاپوش عمره از صالح پیغمبریه او رسیده بود. نجخ یا چوب‌دستی پدر عمره را حضرت داود نبی ساخته، و دست به دست به او رسیده بود؛ این موارد از

عمر و برای شاطران به یادگار مانده بود و شاطران نمادهایی از آنها را می‌پوشیدند و به اصول او عمل می‌کردند (افشاری و مداینی، ۱۳۸۸: ۱۲۱-۱۳۵).

### پوشش شاطران در سفرنامه سیاحان در دوره صفویه و قاجاریه

سیاحان مشهور مشاهدات خود را از حرفه و پوشش شاطران، در سفرنامه‌هایشان ثبت کرده‌اند. تاورنیه<sup>۳</sup> که بین سال‌های ۱۰۴۱-۱۰۷۹ ق/ ۱۶۳۱-۱۶۶۸ م به ایران سفر کرده بود، نوشه است که هیچ‌یک از بزرگان، پیاده حرکت نمی‌کنند و بر اسب سوارند و یک یا دو نفر نوکر پیاده که آنها را شاطر می‌نامند، در جلو اسب می‌دوند که راه را باز کنند و کمربندی می‌بنند که سه زنگوله در جلو و روی شکم آویزان است (میرجعفری، ۱۳۵۶: ۵۷). در سال ۱۰۸۵ ق/ ۱۶۷۴ م، کمپفر<sup>۴</sup> برخلاف دیگران، از ۱۲ شاطر زمان شاه سلیمان اول سخن می‌گوید که آراسته به جواهر و با ران‌های برهنه و شنلی سبک، شاه سلیمان را احاطه می‌کردند (تصویر ۱) (۱۳۵۰: ۲۳۳). به نوشته شاردن<sup>۵</sup> پوشش شاطر عبارت بود از «پیراهن و یک تنکه صاف و ساده و تا اندازه‌ای نازک از کرباس که لنبرهایش را مستور می‌ساخت. پاپوش شاطر زیره نداشت و پایش برهنه بود و فی الجمله کلاه بی‌لبای به سر داشت که تا گوشش فرود آمده بود، روی کلاه شاطر و برگردن و بازو و بدن وی تعویذ و طلسی مشاهده می‌شد» (۱۳۳۵: ۱۹۶-۲۰۸). در دوره قاجار و اوایل سلطنت فتحعلی شاه، «دروویل<sup>۶</sup>» در سال‌های ۱۲۲۷-۱۱۲۴ ق در خاطراتش از شاطرباشی می‌نویسد که سرdestه شاطران بود و همه شاطران کلاه مخصوص بر سر و چماق کوتاهی در دست داشتند (۱۳۴۸: ۲۲۸). در دوره قاجار و در فاصله سال‌های ۱۲۲۳-۱۲۲۱ ق، «جیمز موریه<sup>۷</sup>» در خاطراتش شاطران را با جامه‌های عجیب نام برده است (۱۳۸۶: ۸۰). «کنت گوبینو<sup>۸</sup>» در فاصله سال‌های ۱۲۷۲-۱۲۷۵ ق، به چوب‌دستی‌های بلند شاطران اشاره کرده است (۱۳۶۷: ۱۱۷). «کارلاسرنا<sup>۹</sup>» جهانگرد ایتالیایی در وصف شاطرهای دوره ناصرالدین شاه و درباره رنگ و تزئین لباس شاطرها نوشه است: «کلاه از پارچه پررنگ پولک‌دار، مجهز به چیزهای شیشه‌ای و ترئیناتی از حلبي‌های مشبک بر سر می‌گذارند و شال سفیدی دور کمر می‌بنند» (۱۳۶۲: ۱۱۶).

### پوشش شاطرهای عهد شاه صفوی

شاطرهای عهد شاه صفوی، قبایی بلند می‌پوشیدند و گوشه‌های دامن آن را به عقب برمی‌گرداندند و محکم به کمر می‌بستند. پیراهن یقه گرد تا بالای زانوها می‌رسید. یک کلاه پوستی که آفتابگردانی بزرگ داشت بر سر می‌گذاشتند و پری به پهلوی کلاه می‌زدند که علامت شاطری هم بود. آنها شلواری تنگ داشتند که پاچه‌های آن را در زیر میچ پیچ می‌بستند. کفش سبک و نرم به پا می‌کردند تا آسان و تندر بدوند. به اطراف کمربند خود تعدادی گوی و، یا زنگوله می‌آویختند که از علائم مخصوص شاطرهای آن زمان بود و عصای سرکج بلندی به دست می‌گرفتند (تصویر ۲) (میر جعفری، ۱۳۵۶: ۶۰). تصویر شماره ۳ اثر هنرمند رضا عباسی در قرن ۱۷ میلادی است که رابت شرلی<sup>۱</sup> جهانگرد و ماجراجوی انگلیسی را به تصویر کشیده است. پوشش شاطران در قسمت جوراب به جای میچ پیچ، کلاه، پر، بندهینک‌های دور بازو و عصا به پوشش رابت شرلی بسیار شبیه است و این طور به نظر می‌آید که نوع پوشش او مورد تقلید شاطران قرار گرفته است.



تصویر ۱. دوازده شاطر در پیشاپیش شاه سلیمان صفوی در باغ هزار جریب اصفهان در حال حرکت (کمپفر، ۲۲۳۳: ۱۳۵۰).



تصویر ۴. شاطر عهد شاه سلطان حسین صفوی. (کاظمینی، ۲۰۲: ۱۳۵۳)



تصویر ۳. نقاشی سر رابت شرلی، قرن ۱۷ م. اثر رضا عباسی مجموعه ریتلینگر (پوپ، ۹۱۹: ۱۳۸۷)



تصویر ۲. تن پوش شاطر (میر جعفری، ۶۰: ۱۳۵۶)

### پوشش شاطرهای عهد شاه سلطان حسین صفوی

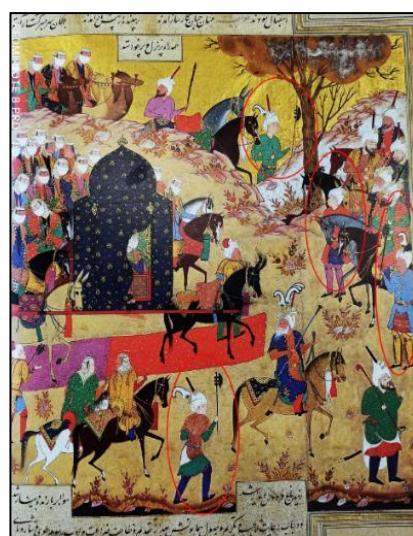
در عهد شاه سلطان حسین صفوی، کلاه پوستی آفتابگردان شاطرهای عمامه خوش‌پیچی تبدیل شد که از وسط کلکی آن یک دسته پر رنگین به عقب سر ریخته می‌شد. در طرف راست عمامه، تک پری که از علائم شاطری است به طور عمود بیرون می‌زد. پیراهن شاطران این دوره با گذشته فرقی نکرده است. از بالای شانه‌ها دو رشته گوی یا زنگوله‌های مجوف که به دو منگوله ابریشمی خوش‌رنگ متنه می‌شد، روی دو طرف سینه تاب می‌خورد و نیز شالی به کمر می‌بیچند و روی آن کمربند زنگوله‌دار شاطری می‌بستند. چند رشته منگله بلند که ته آنها به جلوی کمربند وصل می‌شد، در پیش دامنشان آویزان بود و نیز دو منگوله بزرگ با گوی‌های مجوف از طرف راست به پر شالشان می‌آویختند. دو بند چرمیں به شکل تسمه باریکی، از چپ و راست سینه و پشت می‌گذشت و برای نگه داشتن کمربند شاطری به آن متصل می‌شد. شلوار شاطری این دوره نیز مانند پیش تنگ و کوتاه بود که زنگالی هم بر روی پارچه‌های آن می‌کشیدند و، یا میچپیچ می‌بستند. کفش‌ها به نیم چکمه‌هایی تبدیل شد که دو ساقه چرمی تو در تو داشت. عصای سرکج بلند، به چوب کوتاه و گرز مانندی تبدیل شد که سرباریکش در دست و سر قطور آن به طرف پایین بود. عمامه و ریش که از مختصات رواج زهد و دینداری در عهد شاه سلطان حسین است، با قیافه رند ماجراجوی شاطر بیگانه و موقتی می‌نماید (تصویر ۴). (کاظمینی، ۱۳۵۳: ۱۹۸-۲۰۲).

### پوشش شاطران در نگارگری‌ها

در نگاره‌های مربوط به اوخر دورهٔ تیموری و دورهٔ صفوی، در اکثر نقاشی‌ها، پادشاهان و بزرگان سوار بر اسب و شاطران به صورت پیاده در جلوی اسبان به تصویر کشیده شده‌اند. پوشش شاطران، با کلاه بلند و پری در کلاه و اغلب با تبرزین و شلواری تنگ و جورابی بلند، به آسانی قابل تشخیص است. مهم‌ترین نگاره‌هایی که تنوع پوشش شاطران را نشان می‌دهد، از این جمله‌اند: نگاره‌های نسخهٔ ظفرنامهٔ تیموری در سده‌های نهم و دهم هجری قمری اثر کمال‌الدین بهزاد (تصویر ۵)، برگی از شاهنامهٔ شاه طهماسبی، در دورهٔ صفوی، صحنهٔ آمدن سفیر فریدون نزد سلم و تور (تصویر ۶).



تصویر۶. تن پوش شاطر و کلاه  
تزئین دار (حسینی راد، ۱۳۸۴: ۸۶)

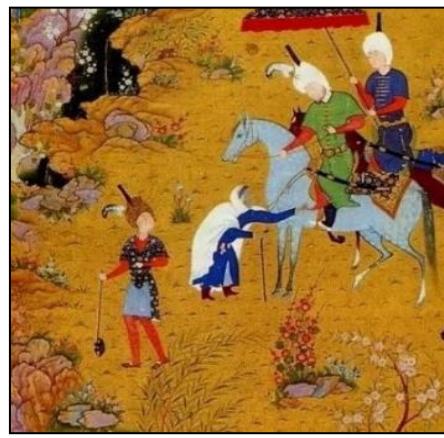


تصویر۵. شاطران با پوشش خاص در  
جلوی اسب بزرگان در صحنه استقبال  
تیمور از همسر امیرزاده جهانگیر  
(بزدی، ۹۳۵: ۷۰۸).

در نگاره مربوط به نسخه تاریخی خمسه طهماسبی در کتابخانه بریتانیا لندن، پیروزی در حال اعتراض به سلطان سنجر سلجوقی ترسیم شده است. نگارگر، شاطران را در جلوی اسب سلطان سنجر قرار داده و طریقہ صحیح به زمین گذاشتن چوب دست شاطری را به تصویر کشیده است. سبک این نگاره به شیوه مکتب دوم تبریز است (تصویر۷) (پاکباز، ۱۳۸۱: ۲۰۶). در شاهنامه شاه طهماسبی، نگاره‌ای منصوب به قاسم علی و میر مصور، سیاوش در حال گشت و گزار در سیاوشگرد، بر در کاخ فرنگیس به تصویر در آمده که در جلوی اسب بزرگان، شاطران قرار دارند (تصویر۸).



تصویر ۸. شاطران با کلاه بلند و تبرزین در دست در جلوی اسب بزرگان (حسینی راد، ۱۳۸۴: ۲۰۴).



تصویر ۷. طریقه صحیح روی زمین گذاشتن چوب دست شاطر در نگاره حکایت سلطان سنجر و پیرزن (شاهنامه طهماسبی، نگاره ۷۶۲)

### پوشش شاطر در زمان قاجار

لباس شاطران در عصر قاجار، کمرچین و کلاه بوقی سرخ زنگ و پاپیچ بوده است (داعی السلام، ۱۳۰۸: ۴۸۲). در آن زمان، هنگام ورود مهمانان خارجی به پایتخت، در مراسم تشریفات، شاطران پیشاپیش اسب آنان می‌دویدند. با این تعریف آنها وظایف گارد احترام را عهده‌دار بودند. تعداد شاطرها در مراسم تشریفات، نسبت به مراتب اهمیت مهمانان کم و زیاد می‌شد. در زمان محمدشاه قاجار (۱۱۷۵ش)، شاطران کلاه نمدی خوش ترکیبی به سر می‌گذاشتند که در گردآگردش نشان‌ها و پولک‌های فلزی دوخته شده بود و چهار دسته موی یال و، یا دم اسب از چهار گوشۀ آن بیرون می‌آمد. شاطران قبای بلندی به بر می‌کردند که سمت راست آن چاک داشت و شال بزرگی به کمر می‌بستند و خنجری بر آن می‌گذاشتند و نیز بر روی بازوها و سینه لباس، فاصله به فاصله، پولک‌هایی می‌دوختند و همچنین حمایلی که قلاب‌دوزی‌هایی به شکل برگ خرما در آن منقوش است، روی دوش راست خود می‌انداختند. پیراهن سفید یقه گرد بر تن و شلوار گشادی به پا می‌کردند که دامن بلند قبا روی آن را می‌پوشاند. جوراب‌های سفید خال‌دار و کفش بی‌پاشنه مثل نعلین‌های نوک برگشته به پا می‌کردند.

نعلین پای شاطرها و زیب و زیور سراپای آنان، شاطران را در کسوت گارد محافظه پایتحت می‌نمایاند (تصویر ۹).

لباس شاطرها در زمان ناصرالدین شاه، سرداری<sup>۱۱</sup> از ماهوت سرخ بود که دامن چین دار داشت و روی سینه و حاشیه‌ها و آستین آنها با نواردوزی و تکمه‌های برنجی زیب و زیور می‌شد. کمربند پولکدار خوش‌نمایی، سرداری را به بدنه برازنده تر و محکم‌تر نگه می‌داشت. کلاه تاجی، کنگره‌دار و بزرگ بود که با گل‌های پشمی سرخ و سیاه و سبز گلدوزی می‌شد. جوراب، پاتوه سفیدی بود که تا سرزاونها می‌رسید و لبه شلوار سبز ماهوت را در زیر می‌پوشاند. چوب‌دستی‌ها اشکال مختلفی داشتند (تصویر ۱۰) (کاظمینی، ۱۳۵۳: ۲۰۷). هنگامی که ناصرالدین شاه به اتریش رفت و لباس گارد امپراتوری را دید، پس از بازگشت به تهران، گروه شاطر شاهی را با الگوبرداری از لباس گارد امپراتوری اتریش برای خود تدارک دید (تصویر ۱۱). آنان باید پا به پای حرکت کالسکه، در کنار و، یا در جلوی آن می‌دویند (سعدهوندیان، ۱۳۹۰: ۱۴۸).



تصویر ۹. پوشش شاطران در زمان محمد شاه قاجار (کاظمینی، ۱۳۵۳: ۲۰۷)



(تصویر ۱۱) لباس شاطران  
دربار سلطنتی آلمان  
(steeie, 1955, p 371)



(تصویر ۱۰). شاطران در عهد ناصرالدین شاه سال  
۱۲۵۰ (کاظمینی، ۱۳۵۳، ۲۰۵-۲۰۶)



### پوشش شاطر در زمان پهلوی

شاطری تا چهل سال قبل هم در ایران معمول بود. اینان با کاروانها و مردمی که از معابر نامن گذر می‌کردند، همراه می‌شدند و از آنها محافظت می‌کردند. شاطران تا اوایل سلطنت رضا شاه (۱۳۰۴ ش) دیده می‌شدند و در مراسم تاجگذاری با لباس شاطری حضور می‌یافتدند (تصویر ۱۲). پس از پیدا شدن وسائل نقلیه و تلگراف و تغییر سیستم اجتماعی کشور از فرم قدیم به صورت جدید، دوره حضور شاطران در ایران پایان یافت و دیگر اثری از شاطرخانه سلطنتی باقی نماند. امروزه تنها در یکی از دهات ایران، در مراسم تعزیه‌خوانی روز عاشورا، افرادی با لباس شاطران - که تقریباً از هر دوره تاریخی عنصری را به وام گرفته‌اند - در رکاب امام حسین راه را باز می‌کنند و طبق رسم شاطری با قدم‌های بلند می‌دوند (کاظمینی، ۱۳۵۳: ۲۰۹) نمونه کلاه شاطری که در مجموعه لباس‌های مخزن در کاخ گلستان (تصویر ۱۳) باقی مانده، به سال ۱۳۳۳ مربوط است که بر روی آن عبارت وقف حسینیه مرحوم حاج محمود قوام چاپ شده است. از این نمونه می‌توان دریافت که در دوره پهلوی شاطران در مراسم عزاداری‌ها و در رکاب بزرگان دین نقش بازی می‌کردند. کلاه آنها بسته به موقعیت فرهنگی و منطقه تغییر می‌کرد.



تصویر ۱۳. کلاه شاطر،  
وقف حسنیه مرحوم حاج  
محمود قوام، سال ۱۳۳۳  
(مجموعه لباس‌های مخزن  
کاخ گلستان به شماره  
ثبتی (m-۶۶۸)



تصویر ۱۲. شاطران با کلاه‌ای بلند و تزیین شده در روز  
تاجگذاری رضا شاه پهلوی. سال ۱۳۰۵.

### بسترهاي تاریخي حضور شاطران در دامغان

به علت قرار گرفتن روستای جزن در پنج کیلومتری شرق دامغان و نزدیک بودن به شهر و نیز قرار داشتن در مسیر خراسان قدیم، جریان‌های تاریخی رخ داده در دامغان، منطقه جزن را نیز تحت تأثیر قرار داده است.

فرهنگ شهر دامغان آمیزه‌ای از فرهنگ اسلامی- ایرانی کهن است که از علل آن به قرن‌ها حضور اسلام در این وادی و وجود اولین مسجد ایران، مسجد تاریخانه، در این شهر باید اشاره کرد. اکثریت مردم دامغان شیعه دوازده امامی بوده‌اند و وجود فرهنگ قدیمی و غنی عزاداری برای حسین بن علی(ع)، سال‌ها، بسیاری از مردم را به این شهر و دیار فرا خوانده است (شایسته فر، ۱۳۸۱: ۶۴). به گفته صاحب معجم البیان، دامغان مرکز قوم‌س بوده و از ری تا سیزوار وسعت داشته و در دوره‌های تاریخی مختلف، تحت تأثیر لشکرکشی‌ها و حوادث مذهبی و سیاسی قرار گرفته است. به عیاران و شطاران جمیعه الفتیان می‌گفتند و ضعیف نواز بودند. آنها در ابتدا بر ضد حکومت عربی بنی امیه عرض وجود کردند و بنی عباس را بر سر کار آوردند. این عیاران در منطقه

قومس نیز دیده شده‌اند. به طوری که ابن‌بطوطه در سفرنامه خود می‌نویسد: «در خراسان دو تن از شطاران بودند به نام مسعود و محمد که پنج تن همراه داشتند که در خراسان سربداران می‌گویند و شهر بیهق نزدیک سبزوار را به تصرف خود درآوردند» (کشاورز، ۱۳۷۰: ۲۶۲۴). از طرفی شطاریه را طیفوریه نیز می‌نامیدند، چرا که نسب این سلسله به بایزید بسطامی (طیفور بن عیسی) عارف قرن سوم هجری قمری می‌رسد (مدرسى عالم و محجوب، ۱۳۳۹: ۱۵۲) و مقبره بایزید در منطقه قومس و در فاصله هفتاد کیلومتری شهر دامغان قرار گرفته است. در دوره صفوی، شاه اسماعیل برای پاک کردن ایران از بقایای وحشیان بیابانگرد مغول، به مناطق مختلف عزیمت کرد. او در دامغان، به دلیل مرکزیت و اهمیت قومس که در منطقه کویری قرار داشت، تردد می‌کرد و رجال پیاده همراهی‌اش می‌کردند. شطاران و عیاران نیز مردان صاحب‌نامی بودند که به علت برقراری عدالت و حکومت صالح، از زمان صفویه به بعد، به خدمت سلاطین درآمدند و پیاده در رکاب بزرگان بودند (کشاورز، ۱۳۷۰: ۸۶).

پس از استقرار مشروطیت در دامغان، عدله تشکیل و شخصی به نام امیر اعظم حاکم عدله شد. او که معاون وزارت جنگ در کابینه سپهدار بود، فراش‌های حکومتی زیادی داشت که در مناطق مختلف کارهای اجرایی را انجام می‌دادند (کشاورز، ۱۳۷۰: ۱۲۴). عبدالله مستوفی مؤلف اثر سه جلدی شرح زندگانی من، در رابطه با فراش‌باشی این نکته را ذکر می‌کند که کارهایی مثل نامه‌رسانی و وصول مالیات و کارهای حکومتی را انجام می‌دادند و لباس قرمز بر تن می‌کردند. تعداد این فراشان در حکومت قاجار به هزار نفر می‌رسید (مستوفی، ۱۳۹۹: ۴۰۶-۴۰۴) که با توجه به حرفة این اشخاص و رنگ لباسشان که هم‌رنگ پوشش شاطران در دوره قاجار بوده، می‌توان به حرفة شاطری وجود شاطران در منطقه دامغان و جزن نیز پی برد.

### اهمیت روستای جزن و پیشینهٔ حرفةٔ شاطری

یاقوت حموی در معجم‌البلدان، از منطقهٔ غاری در کوه‌های طبرستان نام می‌برد که مسیر آن از ایالت قومس می‌گذشت. وی نوشت: «این غار خزانهٔ پادشاهان پیش از اسلام بوده و در آن اسلحه و ما يحتاج لشگر نگه‌داری می‌شده است که پس از سقوط

ساسانیان این قلعه و غار آن به وسیله عمال خلیفه عباسی غارت شد» (۱۳۶۵: ۶۲). این مکان، غار شیر بند نام دارد که در دو کیلومتری روستای جزن واقع شده و قلعه نیز اشاره به قلعه‌ای است که در مرکز روستای جزن واقع شده و هنوز بقایای آن موجود است و تا کمتر از ۱۰۰ سال قبل، تمام خانوارها به دلیل محافظت از خود در برابر راهزنان در آنجا زندگی می‌کردند (ربیع زاده، ۱۳۸۹: ۹). در زمان سلطنت فتحعلی‌شاه و محمد شاه، در روستای جزن، قلعه وسیع و خندقی بود که در داخل آن ساختمان‌هایی قرار داشت که میرزا سپهسالار ساخته بود. در این مکان جنگ‌های زیادی صورت گرفته است (کشاورز، ۱۳۷۰: ۱۶۱).

در مصاحبه با پژمان بهرامیان<sup>۱۲</sup> درباره اهمیت روستا، دو دلیل ذکر شد: ۱. منطقهٔ قومس در پنج کیلومتری شهر دامغان واقع شده است. ۲. به علت داشتن ده بند آب و آبیاری باغات اطراف، ساخت قلعه و آبادانی منطقه و اینکه سرکردگان امیر اعظم حکمرانی منطقه را به عهده داشته‌اند.

در رابطه با عقبهٔ افراد سرشناس، مشخص شد که در نظام مدیریتی - فامیلی، بهرامیان، خلچ و طوسی از بزرگان این روستا و صاحب نفوذ بوده‌اند و به طرق مختلف در امور حکومتی و اداری اعمال قدرت می‌کرده‌اند، در حقیقت سمت‌های نامه‌رسانی و پیام‌رسانی، شاطری و سرکردگی برای امیر اعظم و نیز سوزنبانی و اداره امور آب و مالیات به این خاندان واگذار شده بود.

فرمان اصلی و ریاست شاطری به دست رجبعلی، بزرگ خانواده بهرامیان بوده و این شخص شغل و حرفهٔ شاطری داشته است. بعد از رجبعلی افراد زیر به ترتیب پدر پسری همگی در دستگاه اهل بیت شاطر شدند و سمت جلوه‌داری دستهٔ شاطری را بر عهده داشته و دارند. پژمان متولد ۱۳۶۲ پسر خسرو (در حال حاضر)، خسرو متولد ۱۳۳۵ پسر قدرت، قدرت متولد ۱۳۰۷ پسر غلام‌حسن، غلام‌حسن متولد ۱۲۶۰ پسر فرضعلی، فرضعلی متولد ۱۲۲۰ پسر رجب علی بهرامیان (متولد ۱۶۰ سال تولد تقریبی است) و چوب ارژن شاطری که امروزه خانواده بهرامیان از آن در مراسم آیینی عاشورا استفاده می‌کند، به رجبعلی متعلق است. خانواده بهرامیان به طور موروثی در دستگاه شاطری جلوه‌دار سمت راست‌اند. علامت مشخصه این جلوه‌داری و صاحب فرمان بودن

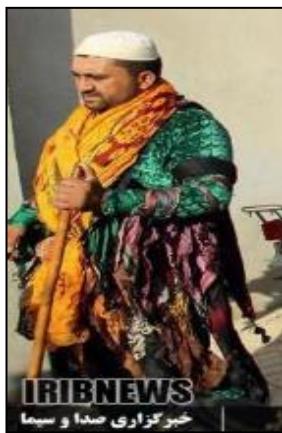
میراثی در دستگاه شاطری، به این صورت است که کلاه (عرقچین شاطری) خود را به طور مایل (کج) بر سر می‌گذارند (تصویر ۱۶). جلودار سمت چپ خانواده تقی‌پور است که در حال حاضر نوء دختری این خانواده یعنی، خانواده سمیعی در این عرصه خدمت می‌کنند. خانواده‌های بهرامیان و تقی‌پور پوشش سیاه دارند. شاطران زرد پوش و سبز پوش از طایفهٔ فامیلی طوسی و خلچ هستند. شاطران از دیر باز دستمال‌های ابریشمی یزدی به بازوan خود می‌بستند و نوع البسه آنان جزئی از ارثیهٔ قدیمی شاطران در این روستا محسوب می‌شود (بهرامیان، ۱۴۰۱).

### پوشش شاطران در زمان معاصر در تعزیهٔ روستای جزن

تعزیه وضعیتی را ایجاد کرد که کم کم همهٔ طبقات و اصناف اجتماعی در تهیه و تدارک مراسم عزاداری مشارکت کردند. بیضایی یکی از دلایل حضور گستردهٔ مردم را در تعزیه‌ها از میان رفتن موقت فاصلهٔ طبقاتی عنوان می‌کند (بیضایی، ۱۳۹۹: ۱۳۳). تعزیهٔ مجلس شهادت امام حسین (ع)، ترکیب و تلفیقی از واقعیت‌های تاریخی مذهبی، اساطیر و اعتقادات است؛ برای نمونه این باور که فرشتگان و ملائکه به یاری امام حسین شتافتند (شهیدی ۱۳۸۰: ۲۸۷). امروزه در مراسم تعزیهٔ روستای جزن<sup>۱۳</sup> دامغان، علاوه بر موروثی بودن نقش شاطران، تعداد زیادی از مردم نیز نقش شاطر را بازی می‌کنند. تعزیهٔ روز عاشورا محفلی را فراهم کرده است و شاطران آن را غنیمت می‌دانند و به هر روی سعی در برپایی و حفظ این سنت دارند. این آیین به شماره ثبت ۶۴۹ در فهرست آثار ملی ایران، به عنوان میراث فرهنگی ناملموس در دفتر ثبت آثار و حفظ و احیای میراث معنوی و طبیعی به ثبت رسیده است.

آئین ستی مذهبی «ای دوستان ما محرم آمد» با قدمت ۴۵۰ سال، از دیگر برنامه‌های معنوی در روستای جزن شهرستان دامغان است که همه ساله همزمان با اولین روزهای ماه محرم برگزار می‌شود. این رسم که از باورهای مذهبی اهالی روستاست، با پوشش خاصی اجرا می‌شود. افرادی در لباس شاطران و در مقام نمادین فرشته در مراسم حضور دارند. شاطران سیاه پوش و شاطران سبز و زرد پوش همراه امام حسین و حضرت ابوالفضل هستند و یک شاطر سیاه پوش و یک شاطر سبز و زرد

پوش همراه حضرت زینب (س). با توجه به اینکه شان و حیثیت اربابان از کثرت شاطران همراه آنها مشخص می‌شود، جز این شش شاطر، دسته‌زیادی از شاطران نیز وظیفه دویدن در جلوی اسب امام حسین را دارند. جمعیت شاطران را هم پدران و هم پسران تشکیل می‌دهند (تصویر ۱۴ و ۱۵). در روز عاشوراء، شاطران پس از پوشیدن لباس، بر چشم انداختن خود سرمه می‌کشند. سرمه کشیدن می‌تواند نشان ارزشمندی خاک پای امام حسین و خلوص شاطران و فدا شدن در راه امام حسین باشد. این افراد، جلوی اسب امام حسین (ع) و یارانش می‌دوند و به نوعی از ورود سیدالشہدا و شهدای کربلا به میدان جنگ ممانعت می‌کنند<sup>۱۴</sup> (تصویر ۶). حرفة شاطری در این روستا موروثی است و از پدر به فرزند منتقل می‌شود (آیین مذهبی شاطری جزن، www.irna.ir/news/۱۳۹۸).



تصویر ۱۵. کلاه ساده و گرد بدون تزئین شاطران در مراسم تعزیه روستای جزن (آیین مذهبی شاطری جزن).



تصویر ۱۴. کلاه تاج مانند تزئین دار شاطران در مراسم تعزیه روستای جزن دامغان (تقی پور.م، ۱۴۰۰) آرشیو دهیاری جزن.

### نوع پوشش شاطران در مراسم تعزیه

**کلاه:** مهم‌ترین و مجلل‌ترین پوشش شاطران کلاهشان است. کلاه نوع اول، تاج است که در تزئین آن از مروارید، آینه، پول و مهره‌های رنگی استفاده شده است و سه دایرهٔ تزئینی در بالای آن وجود دارد (تصویر ۱۴ و ۱۵). کلاه نوع دوم به صورت یک کلاه

پنهای گرد است که همان طور که در تصاویر ۱۶ و ۱۵ مشخص است، اصولاً به حالت کج گذاشته می شود تا سر دسته شاطران و جلو دارها مشخص شود. حالت کج این کلاه ساده نیز یاد آور کلاه شاطران در دوره صفویه است.

**بال فرشتگان:** تصور بال های فرشتگان در پوشش شاطران به صورت پرهای رنگینی است که با دستمال های ارغوانی رنگ به شکل شعله سان و متحرک از بالای بازو وان تا مچ به تعداد شش عدد بسته می شود. در هنگام دویدن این پرهای رنگین به حرکت در می آیند (تصویر ۱۷ و ۱۵).

**چوب دست:** تمام شاطران در مراسم تعزیه عصای چوبی به نام ارژن<sup>۱۵</sup> در دست دارند که یک سمت آن ضخیم است. چوب دستی دم گاوی که سر بر جسته ای دارد و باید قسمت ضخیم تر بر روی زمین قرار بگیرد (تصویر ۱۶).

**شال تن پوش و مچ پیچ:** بر روی سینه شاطران شالی ابریشمی به شکل ضربدر به بدنشان پیچیده است و سینه و بازو وانشان را محکم نگه می دارد و به کمر متصل می شود. دستمال هایی هم به دور گردن می بندند و جوراب هایی ساق بلند همانند مچ پیچ های مختصری هم به دور پای خود می پیچند (تصاویر ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۸ و ۱۹).



تصویر ۱۷. دسته شاطران همراه چوب دست و دستمال های ارغوانی رنگ در حکم بال های فرشته (آئین مذهبی شاطری چزن. ۱۳۹۸. (www.irna.ir/news))

تصویر ۱۶. سر دسته شاطران با کلاه کج در جلو و پسران و نوه های بهرامیان در لباس شاطری در پشت سر دسته شاطران در روستای جزن (آرشیو عکس های قدیمی در دهیاری چزن. ۱۳۴۰).

بازوبند: شاطر به بازوی خود یک بازوبند می‌بندد که شامل دایرهٔ تزئین شده با نماد ستارهٔ هشت‌پر است، (تصویر ۱۹). بازوبندها از مشهورترین اشیاء طلسمی تعویذی در فرهنگ ایرانی‌اند که صرفاً کارکرد بلاگردانی و کارگشایی دارند. این باور دیرین که فضاهای دایره‌ای و حلقه‌ای حافظ هر آن چیزی است که در درون حلقه جای دارد، سبب کاربرد دایره‌های حمایت‌کننده به اشکال مختلفی همچون بازوبند شده است (گربران شوالیه، ۱۳۸۲: ۱۷۴). نشان ستارهٔ هشت پر که نماد خورشید است، مهم‌ترین مظہر طبیعی قداست و به منزلهٔ چشم اهورامزدا و در متون اسلامی، چشم همه‌نگر و همه‌آگاه خداوند است (بهزادی، ۱۳۸۰: ۵۵).



تصویر ۱۹. طریقهٔ بستن شال ضربدری و بستن بازوبند دارای نقش ستارهٔ هشت پر (نگارنده، روستای جزن، تابستان ۱۴۰۰).

تصویر ۱۸. شاطران در حال دویدن. بستن شال ضربدری دور گردن و جوراب روی شلوار، به جای پا پیچ (تقی‌پور، ۱۴۰۰).

جدول ۱. بررسی نوع پوشش شاطران در دوره‌های تاریخی

دوره معاصر	دوره پهلوی	دوره قاجار	دوره صفوی	فتوات نامه شاطران (قرن ۸)	دوره باستان و (قرن اول هجری)	پوشش شاطران
تاج مزین به مهره و آیینه و مروارید و کلاه ساده عرق چین و مایل که مشخصه جلودار دسته شاطری است	کلاه بلند همراه با تزئینات آیینه و پولک و فلز. کلاه مراسم مذهبی با تزئینات کمتر و کوتاه‌تر	کلاه نمدی تاجی و بلند. دارای موی اسب و یا گل پشمی در چهار گوشه بالا. با تزئین نشان و بولک فلزی	کلاه کج به همراه پر. کلاه عمامه‌ای. بلند همراه تزئین و پر	تاج و کلاه تباله (تزئین شده) همراه پارچه و پر	-	کلاه
دو شال ضربدری بر روی سینه و شال‌های زیاد (عدد ۶) به هر دست و بسته شده به بازوan و سردست هر دو دست شاطر به رنگ سیاه است.	پیراهن بلند و که جلوی آن تا خورده و زیر کمریند خطوط ضربدری در جلو و پشت لباس و بر روی آستین در قسمت بازو تا مچ	قبای بلند چاک دار و سرداری. نوار دوزی شبیه کت بلند ولی نه به اندازه قبا	پیراهن بلند چلوا و قرار دارد شال سفید چندلا و بندهای چرمین بسته شده بر روی سینه و پهلو.	سینه پوش یا نیم تن و هفت سوره نوشته یز روی آن	پیش‌بند چرمین به نام نطبعی و بالاتنه بر هن	پوشش بالا تن

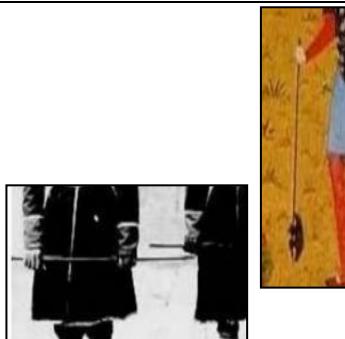
| ریشه‌یابی خاستگاه تاریخی، موقعیت و نوع پوشش شاطران ... | ۷۵

دوره معاصر	دوره پهلوی	دوره قاجار	دوره صفوی	فتوات نامه شاطران (قرن ۸)	دوره باستان و (قرن اول هجری)	پوشش شاطران
کمریند همراه سگگ یا چهارقد ابریشمی و شال دور گردن	کمریند چرمین	کمریند پولک دار	کمریند با سه زنگوله آویزان بر روی شکم	مرس یا ریسمانی ۱۲ رشته به نشانه ۱۲ امام و زنگ حیدری مهره		پوشش کمر و گردن
شلوارهای گشاد و معمولی	شلوار گشادر	شلواری که تا زانو به زیر جوراب است	شلوار تنگ که زیر مج پیچ قرار داشت.	لنگ یا يش بند (نظمی)	لنگ و شلوارهای باستانی	پوشش پایین تنه
چوب درخت بادام کوهی به نام ارزن که قسمت انتهایی به شیوه سنتی ضخیم طراحی شده است	چماق سر نقره‌ای	چماق سر نقره‌ای و چوب‌دست‌های ساده و بنده	عصای سرکچ بلند که تبدیل به چوب کوتاه گرز مانند و یا همراه تبرزین که سر قطور آن به طرف پایین است.	نجخ (تبرزین) یا چوب سخت و سرخ رنگ به نام تبلغو		چوب دست

دوره معاصر	دوره پهلوی	دوره قاجار	دوره صفوی	فتوات نامه شاطران (قرن ۸)	دوره باستان و (قرن اول هجری)	پوشش شاطران
دایرۀ تزئین شده با نگین و نماد ستارۀ هشت پر		نواردوزی بر روی بازوان	تعویذ و طلس	بسن زنگ حیدری به بازو		بازوبند
جوراب‌های بلند یا پاپوش سنتی	جوراب بلند بر روی شلوار	جوراب‌های بلند بر روی شلوار	شلوار تنگ و مچ پیچ و بعضی مواقع نیم چکمه	ساق پوش که باز مهره بر زانوهای پیر با اشاره علی (ع) ایجاد شده بود.		ساق پا و پا پوش

(نگارنده)

جدول ۲. شباهت لباس شاطران معاصر با شاطران در دوره‌های تاریخی

نوع پوشش	شاطر دوره معاصر	شاطر از دوره‌های تاریخی و توضیح تکمیلی دوره تاریخی
نوارهای رنگی متصل به دست از بازو تا مچ		<p>نوارهای آستانی مربوط به دوره قاجار</p> 
کلاه و تاج		<p>کلاه با تزئینات فراوان مربوط به دوره قاجار و صفوی و تیموری</p> 
چوب دست		<p>چوب دست مربوط به دوره صفوی و تیموری همراه تبرزین و چوب دست فلزی و چوبی بند بند مربوط به قاجار</p> 
بازویند		<p>اشاره به بازو بند پهلوانان مربوط به دوره صفوی است. و اشاره به زنگ حیدری بسن شاطران در قرن هشتم.</p> <p>بازو بند پهلوانی مربوط به دوره صفوی در قسمت مرکز هشت ضلعی و هشت قسمت شباهت به ستاره هشت پر دارد . (malekmuseum.org)</p> 

نوع پوشش	شاطر دوره معاصر	شاطر از دوره‌های تاریخی و	توضیح تکمیلی دوره تاریخی
شال ضریبدری و کمربند			شاطران از دوره صفوی. بندهای چرمین و شال‌های پارچه‌ای را بر روی سینه و کمر خود می‌بستند.
مج پیج			مج‌پیج‌ها از قرن دوم هجری برای شاطران مرسوم بوده و نیز در دوره قاجار و صفوی
رنگ پوشش	سیاه و سبز همراه با دستمال‌های رنگی زرد و مشکی و ارغوانی.	- لنگ‌های قرمز رنگ در دوره باستان و شلوارهای کبود رنگ پهلوانی. - در دوره صفوی، تونع رنگ با توجه به نگارگری‌ها. - در دوره قاجار لباس سرخ رنگ	

(نگارنده)

جدول ۳. بررسی جایگاه اجتماعی شاطران در دوره‌های تاریخی

دوره معاصر (شصت سال اخیر)	دوره پهلوی	دوره قاجار	دوره صفویه	دوره تسلط مغولان و تیموری و ایلخانی	دوره باستان و اوایل اسلامی
نقش نمادین و نمایشی فرشتگان در صحنه عاشورا (روستای) جزن دامغان) (در خدمت مراسم عزادری)	نقش محافظان در مراسم تاجگذاری و محافظت از کاروان‌ها (در خدمت دولتمردان)	به عنوان محافظ همراه با گارد پادشاهی و محافظ پایتخت (در خدمت بزرگان)	شخص چلاک و نوکر پیاده شاهنشاه و جلودار پادشاهان (امور پیک و در خدمت پادشاه)	مبارزه با بیگانگان و خدمت به دولت (همکاری با عیاران)	حchlت پهلوانی و جنگجویی (در کسوت عیاری)

(نگارنده)

### نتیجه‌گیری

با توجه به موقعیت اجتماعی و پوشش متنوع شاطران، مشخص می‌شود که جایگاه شاطران در تمام دوره‌های تاریخی اهمیت بسیار داشته است. در پاسخ به سوال اول، تحقیق در زمینه نوع پوشش و تزئینات شاطران در روستای جزن نشان می‌دهد که پوشش شاطران نوع و رنگ متنوعی داشته و دارد. لباس شاطران که تاج، دستمال دور گردن، کمربند و دستمال‌های ضربداری بر روی سینه، بازویان، مج پیچ و چوب‌دست را شامل می‌شود، به اصول فکری فتوت‌نامه شاطران برمی‌گردد و نسل به نسل به صورت موروثی حفظ شده است. تزئینات تاج و پوشش، به تصاویر به جای مانده از دوره قاجاریه و صفویه شباهت دارد. لباس شاطران در تعزیه روستای جزن، همانند تمام دوره‌های گذشته رنگی است، اما بنا بر اعتقادات مذهبی و نقش نمادین فرشته در مراسم عزاداری و مقدس بودن مقام فرشته، رنگ لباس فرشته مشکی و سبز و رنگ

شال‌ها و دستمال‌ها، زرد و سیاه و سبز و ارغوانی است.

در پاسخ به سوال دوم باید گفت که در دوره صفویه با توجه به ورود سیاحان اروپایی به ایران و اهمیتی که پادشاهان صفوی به آنها می‌دادند، جایگاه اجتماعی و نوع پوشش شاطران تحت تأثیر اروپاییان تغییر کرد. چنان که کلاه کج لبه‌دار و تبدیل مچ پیچ به جوراب، از اروپاییان اقتباس شد. در دوره قاجار با سفر پادشاهان قاجار به اروپا، جایگاه اجتماعی و لباس شاطران به نظامیان و گارد پادشاهان انگلستان شباهت پیدا کرد و از آنها الگوبرداری شد. در مراسم تعزیه با توجه به اعتقادات مذهبی و سنت فرهنگی، رنگ و فرم لباس شاطران در قالب فرشتگان، به رنگ پوشش امام حسین و عزاداران او تغییر پیدا کرد و از حالت نظامی خارج شده و حالتی عرفانی به خود گرفته است.

در پاسخ به سوال سوم باید گفت که جایگاه شاطران در مراسم عاشورا، مؤلفه‌های اخلاقی همچون مروت، جوانمردی و پا به رکاب بودن در دستگاه اهل بیت را یادآور است. شاطری در ذات خود این اصول اخلاقی را تداعی می‌کند که بخشی از هویت اعتقادی و ملی است. جایگاه شاطران در روز عاشورا، از هویت و منش این دسته از شاطران در ایامی غیر از عاشورا جدا نیست، بلکه تداعی کننده فرهنگی است که از دیرباز در این مرز و بوم رایج بوده و امروزه به علت پیشرفت تکنولوژی، این پیشه با تمام مؤلفه‌های متعلق به خود، از بین رفته است. در حقیقت جایگاه شاطران در روستای جزن در روز عاشورا و غیر عاشورا قابل تفکیک نیست و نسل‌های گذشته در روستا، اگرچه در گذشته پیش‌شاطری داشته‌اند، همچنان شاطری را به عنوان فرهنگ تداعی کننده دنبال کرده‌اند. پیشه و شغل شاطری در حکم پهلوانی و عیاری در دوران گذشته قلمداد می‌شده است. در پیش‌شاطری، امانت‌داری، فتوت و جوانمردی لازمه این شغل بوده و این فرهنگ در عاشورا نیز اعمال شده است و بر این اساس هر دو جایگاه از یک فرهنگ سرچشمه می‌گیرد. در دوره‌های تاریخی، شاطری رنگ روزمرگی به خود می‌گرفت، چون یک پیشه محسوب می‌شد، اما در عاشورا رنگ اعتقادی به خود گرفته است، چون در سال، یک بار به احترام امام حسین برگزار می‌شود.

## منابع

- افشاری، مهران و مهدی مداینی (۱۳۸۸)، چهارده رساله در باب فتوت و اصناف، تهران: چشممه.
- انصافپور، غلامرضا (۱۳۵۳)، تاریخ و فرهنگ زورخانه و گروههای اجتماعی زورخانه، وزارت فرهنگ و هنر، تهران: مرکز مردم‌شناسی ایران.
- بابویه، م.ع (۱۳۷۶). امالی شیخ صدوق، تهران: اسلامیه.
- بهزادی، رقیه (۱۳۸۰)، نماد در اساطیر، فرهنگ نگارهای نمادها در هنر شرق و غرب، کتاب ماه هنر، شماره ۳۶۳۵، صص ۵۲-۵۶.
- بهرامیان، پژمان (۱۴۰۱)، تاریخچه شاطران در روستای جزن، فایل صوتی برگرفته از bahramian@econ.queensu.ca (DEPARTMENT OF ECONOMICS, Queens University, Kingston, Ontario Canada)
- بیضایی، بهرام (۱۳۹۹)، نمایش در ایران، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- بیغمی، محمد (۱۳۳۹)، داراب‌نامه، به کوشش ذبیح‌الله صفا، جلد ۱، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- پاکباز، روین (۱۳۸۱)، دایره المعارف هنر، تهران: فرهنگ معاصر.
- پوپ آرتور، اپهام (۱۳۸۷)، سیری در هنر ایران، جلد ۱۰، تهران: علمی و فرهنگی.
- تقی‌پور، محمد رضا (۱۴۰۰)، عضو دوره پنجم و ششم شورای اسلامی روستای جزن، آرشیو تصاویر دهیاری جزن.
- حموی، یاقوت (۱۳۶۵)، معجم البلادان، جلد ۴، تهران: اسدی.
- حسینی‌راد، عبدالمجید (۱۳۸۴)، شاهکارهای نگارگری ایران، ترجمه کلود کرباسی، ماری پرهیزگاری، پیام پریشان زاده، تهران: موزه هنرهای معاصر.
- دروویل، گاسپار (۱۳۴۸)، سفرنامه گاسپار دروویل، ترجمه جواد محبی، تهران: نیکفر جام.
- داعی‌الاسلام، سید محمدعلی (۱۳۰۸)، فرهنگ نظام، جلد ۳، طهران: حیدر آباد دکن.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳)، لغت‌نامه دهخدا، جلد ۸، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ذوالفقاری، حسن (خرداد ۱۳۷۲)، فرهنگنامه عاشورا، نشریه کیهان فرهنگ، شماره ۹۸، صص ۲۸-۳۳.
- ربیع‌زاده، علی (۱۳۸۹)، طاق روستایی در دامنه‌های دامغان، تهران: حبله رود.
- سرنا، کارلا (۱۳۶۲)، سفرنامه مادر کارلا سرنا، آدمها و آینهای ایران. ترجمه علی اصغر شهیدی، مشهد: زوار.
- سعدوندیان، سیروس (۱۳۹۰)، خاطرات مونس الدویل، تهران: زرین.

- شاردن، ژان (۱۳۳۵)، *سیاحت‌نامه شاردن*، ترجمه محمد عباسی، جلد ۴، تهران: امیرکبیر.
- شایسته فر، مهناز (اردیبهشت ۱۳۸۱)، *مقبره چهل دختران دامغان*، هنر و معماری، نشریه هنرهای تجسمی، شماره ۱۶، صص ۶۴-۶۸.
- (۱۳۹۳)، *شاهنامه طهماسبی*، نسخه‌ای از شاهنامه فردوسی، تهران: موزه هنرهای معاصر تهران و فرهنگستان هنر.
- شهیدی، عنایت‌الله و علی بلوک‌باشی (۱۳۸۰)، پژوهشی در تعزیه و تعزیه خوانی از آغاز تا پایان دوره قاجار در تهران، تهران: دفتر نشر پژوهش‌های فرهنگی و بنیاد ملی یونسکو.
- شیرازی، محمد معصوم (۱۳۸۳)، *طرائق الحقائق*، به تصحیح محمد جعفر محجوب، جلد ۲، تهران: سنتایی.
- کاظمینی، کاظم (۱۳۵۳)، *نقش پهلوانی و نهضت عیاری در تاریخ اجتماعی و حیات سیاسی ملت ایران*، تهران: بانک ملی ایران. فایل دسترسی نشانی الکترونیک:  
[https://kaffeketab.ir/%D9%BE%D9%87%D9%84%D9%88%D8%A7%D9%86%D8%8C%D8%B9%D8%8C%D8%A7%D8%B1%D8%AE%D8%A7%D9%86%D9%87](https://kaffeketab.ir/%D9%BE%D9%87%D9%84%D9%88%D8%A7%D9%86%D8%8C%D8%B9%D8%8C%D8%A7%D8%B1%D8%AE%D8%A7%D9%86%D9%87%D8%B2%D9%88%D8%B1%D8%AE%D8%A7%D9%86%D9%87)
- کشاورز، محمدعلی (۱۳۷۰)، *تاریخ و جغرافیای دامغان*، تهران: هیرمند.
- کمپفر، انگلبرت (۱۳۵۰)، در دربار شاهنشاه ایران، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: انجمن آثار ملی.
- گربران شوالیه، ژان و آلن (۱۳۸۲)، *فرهنگ نمادها*، ترجمه سودابه فضائلی، جلد ۳، تهران: جیحون.
- گوینو، ژوزف آرتور (۱۳۶۷)، *سفرنامه گوینو*، سه سال در آسیا، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: قطره.
- محجوب، محمدجعفر (۱۳۷۱)، *جوانمردی در ایران اسلامی*، مجله تحقیقات ایران‌شناسی (ایران نامه)، سال یازدهم، شماره ۱، صص ۱۶۷.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۹۹)، *شرح زندگانی من*، تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، جلد ۱، تهران: زوار.
- معین، محمد (۱۳۸۲)، *فرهنگ معین*، جلد ۳، تهران: امیرکبیر.
- مدرسی عالم، مصوص‌معلیشاه و محمد جعفر محجوب (۱۳۳۹)، *طرائق الحقائق*، جلد ۲، تهران: بارانی.
- ملکپور، جمشید (۱۳۵۸)، *ادبیات نمایشی در ایران*، نخستین کوشش‌ها تا دوره قاجار، جلد ۱، تهران: توس.

۸۳ | ریشه‌یابی خاستگاه تاریخی، موقعیت و نوع پوشش شاطران ...

موریه، جیمز (۱۳۸۶)، سفرنامه جیمز موریه، ترجمة ابوالقاسم سری، جلد ۱، تهران: توس.  
میر جعفری، حسین (۱۳۵۶)، شاطری و شطر دوانی در عصر صفویه، نشریه هنر و مردم، شماره  
۱۷۴ - ۵۰، صص ۶۱ - ۶۴.

یزدی، شرف الدین، علی (۹۳۵ هجری)، ظفرنامه تیموری، جلد ۱، تهران: کاخ گلستان  
<https://www.irna.ir/news/83470906/%D8%A2%DB%8C%DB%8C%D9%86-%D8%B4%DB%8A7%DB%8B7%DB%8C%DB%8C-%D8%AC%D8%B2%D9%86-%D8%AC%D9%84%D9%88%D9%87-%D8%A7%DB%8C-%D8%A7%D8%B2-%D8%AF%D9%84%D8%AF%D8%A7%D8%AF%DA%AF%DB%8C-%D9%81%D8%B1%D8%B4%D8%AA%DA%AF%D8%A7%D9%86-%D8%B9%D8|>

ایرنا، (۱۹ شهریور ۱۳۹۸)، آینه‌ی مذهبی شاطری جزء ۴.  
<https://mashruteh.org/wiki/index.php?title=%D9%BE%D8%B1%D9%88%D9%86%D8%AF%D9%87:RezaShahBozorgCoronation19a.jpg>:  
(۱۳۰۵) تاج گزاری، اردیبهشت ۴.  
<http://malekmuseum.org/artifact/1393.07.00026/%D8%A8%D8%A7%D8%B2%D9%88%D8%A8%D9%86%D8%AF+%D8%A8%D8%A7+%D9%82%D8%A7%D8%A8+%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86>  
Steele, V(1955) Encyclopedia of Clothing and Fashion, volume3, New York:  
p p.41, 1971.Thomson

### پی‌نوشت‌ها

۱. در داستان مربوط به حسین کرد شبستری نیز آمده است که وقتی وارد فلان شهر شد، لباس رزم پوشید و زنگ‌های حیدری به کمر آویخت و روانه مقصد شد. میرمعصوم، شاعر کاشی معاصر شاه عباس، به زنگ پهلوانی اشاره می‌کند و می‌گوید: محمول لیلی گرانبارست از اسباب ناز (افشاری و مدائینی، ۱۳۸۸: ۱۲۱-۱۳۵).
۲. تباهه [تَلَّ] (اخ) شهری است به یمن بسیار زراعت و فواكه: دهخدا
۳. Jean-Baptiste Tavernier است که در عصر صفوی جهانگرد و بازرگان فرانسوی
۴. Engelbert kaempfer سیاح مشهور آلمانی
۵. Jean Chardin جهانگرد فرانسوی
۶. Gaspard Drouville در دوره قاجار افسر فرانسوی
۷. James Justinian Morier نویسنده بریتانیایی در دوره قاجار
۸. Arthur de Gobineau نویسنده فرانسوی
۹. Carla Serena جهانگرد ایتالیایی
۱۰. Robert Shirley جهانگرد و ماجراجوی انگلیسی
۱۱. نوعی لباس بلند مردانه که پشتش چین داشته روی لباس‌های دیگر می‌پوشیدند (معین، ۱۳۸۲).
۱۲. DEPARTMENT OF ECONOMICS, Queens University, Kingston, Ontario Canada
۱۳. جَزَنْ یا گَزْ روستایی در دهستان حومه بخش مرکزی شهرستان دامغان است که در ۵ کیلومتری شمال شرقی این شهر واقع شده و براساس سرشماری سال ۹۵، یک هزار و ۸۱۸ نفر جمعیت دارد (خبرگزاری ایرنا، سمنان، www.irna.ir/news).
۱۴. روایت از امام صادق(ع): «چهار هزار فرشته نازل شدند تا همراه امام حسین(ع) بجنگند، ولی به آنان اجازه جنگیدن داده نشد. دوباره اذن گرفتند و فرود آمدند و این وقتی بود که حسین(ع) کشته شده بود» (بابویه، ۱۳۷۶: ۶۳۷).
۱۵. ارزن یا بادام کوهی، نام درختی است. ارزن گونه مقاومی است که در خاک‌های آهکی و در میان تخته سنگ‌های کوهستان‌ها نیز می‌روید، ریشه‌های عمیق و مقاوم در برابر کم آبی و وزش بادهای شدید دارد (مظفریان، ۱۳۸۹: ۱۲۹).

### List of sources with English hand writing

- Afšārī, Mehdi. Madāenī, Mehrān (1388), čāhārdah resāle dar bab-e Fotūvat va asnāf, 3<sup>rd</sup> Edition, Tehran: češmeh.
- Enşāfpouř, Ğolāmreżā. (1353), History and culture of Zürkāneh and Zürkāneh social groups. Ministry of Culture and Arts 1<sup>rd</sup> Edition. Tehran: Anthropology Center of Iran.
- Bābveī, M. (1376). Amālī Šeīk Ṣadūq. 6<sup>rd</sup> Edition. Tehran: Islamia.
- Behzādī, Roqayeh. (1380). Symbol in mythology. A pictorial culture of symbols in Eastern and Western art. Book of the Month of Art. Pp. 35-36, pp. 52-56.
- Bahramian, Pezhman (1401). History of Šāterān in Jazan village. Audio file taken from bahramian@econ.queensu.ca) department of economics, Queens University, Kingston, Ontario Canada.
- Beīzāeī, Bahrām. (1399). Performance in Iran. 11<sup>rd</sup> Edition. Tehran: Enlightenment and Women's Studies.
- Beīqamī, Mohammad. (1339). Dārābnāmeh, by the effort of Zabīllullāh Ṣafā, 3<sup>rd</sup> Edition, Tehran: Book translation and publishing company.
- Pākbāz, Rouīn. (1381). Encyclopedia of Art. 3<sup>rd</sup> Edition. Tehran: Contemporary Culture.
- Pope, Arthur Upham. (2008). A survey of Persian art, from prehistoric times to the present. Tehran Scientific and Cultural Publications.
- Taqīpoūr, Mohammad Režā. (1400) Member of the fifth and sixth term of the Islamic Council of Jazan village. Archive of Dehyari Jazan pictures.
- Hamavī(1365). Mo'jam al-Boldān. 1<sup>rd</sup> Edition. Tehran: Asadī Publications.
- Hosseīnī Rād, 'Abdolmajīd. (1384). Masterpieces of Iranian painting. Translated by Claude Karbāsī, Marie Parhizgari, Payam Parishanzadeh. Tehran: Museum of Contemporary Art.
- Drouville, Gaspard. (1348). Voyage en Perse, fait en 1812 et 1813, 1828. Translated by Javād Mohī. 1<sup>rd</sup> ed, Tehran: Nikfarjām.
- Dā'ī al-Islam Seyyed Mohammad 'Alī (1308). Farhang-e Nezām. Vol.3. 1<sup>rd</sup> Edition. Tehran: Hyderabad Deccan.
- Dehkodā, 'Alī Akbar. (1373). Loğat-Nāme Dehkodā..vol.7. 1<sup>rd</sup> Edition. Tehran: University of Tehran Press.
- Zūlfaqārī, Hassan. (1372). Frhang-Nāme 'Ašurā.Našrīye Kayhan Farhang, no. 98. P. 28-33.
- Rabī'īzādeh, 'Alī. (1389). Tāq-e Rūstāeī dar Dāmankoo-e Damghan. 1<sup>rd</sup> Edition. Tehran: Hableh Roud Publications.
- Serna, Carla. (1362). Madame Carlasrena's Travelogue, People and Rituals in Iran. Translated by 'Alī Asḡar Sahīdī. 1<sup>rd</sup> Edition. Mashhad: Zavār
- Sādvandīyān, Sīrūs. (1390) kāterāt-e Mons Al-Dawlah. 3<sup>rd</sup> Edition. Tehran: Zarrīn.
- Chardin, Jean. (1335). Chardin Travelogue. Translated by Mohammad 'Abbāsī. 1<sup>rd</sup> Edition. Vol.4. Tehran: Amīr Kabīr.
- Šāyesteh Far. Mahnāz.. (1381). Tomb of forty girls in Damghan. Art and Architecture. Journal of Visual Arts. Ordibehesht. No. 16. P. 64-68.
- Šāhnāmeh Tahmāsebī. (1393). A copy of Ferdowsi Šāhnāmeh. 1<sup>rd</sup> Edition. Tehran: Tehran Museum of Contemporary Art and Academy of Arts.
- Sahīdī, 'Enāyatullāh and Bolūk Bāsī. 'Alī (1380). A study on ta'ziyeh and ta'ziyeh-kānī from the beginning to the end of the Qajar period in Tehran. Tehran: Cultural Research Publishing Office and UNESCO National Foundation.

- 
- Shīrāzī, Mohammad Ma'soom (1383). Tarā'eq al-Haqā'eq. Corrected by Mohammad ja'far Mahjūb. 2<sup>nd</sup> Edition. Vol. 2..Tehran: Sanāeī Publications.
- Kāzemeīnī, Kāzem (1353). The role of heroism and the 'Ayārī movement in the social history and political life of the Iranian nation. Tehran: National Bank of Iran: D8% B9% DB% 8C% D8% A7% D8% B1% DB% 8C-% D8% B2% D9% 88% D8% B1% D8% AE% D8% A7% D9% 86% D9% 87 /)
- Kešavarz, Mohammad 'Ali (1370). History and geography of Damghan. 2<sup>nd</sup> Edition. Tehran: Hermand Publishing.
- Kempfer, Engelbert. (1350). In the court of the Shah of Iran. Translated by Keīkāvoūs Jahāndārī. 1<sup>st</sup> Edition. Tehran: Anjoman-e Ātār-e Mellī.
- Chevalier, Jean, Jean and Allen. (1382). Dictionnaire des symboles: mythes, réves, coutumes. Translated by Soodābeh Fażāelī. Vol.3. 2<sup>nd</sup> Edition. Tehran: jeyhūn.
- Gobineau, Joseph Arthur. (1367). Trois ans en Asie )de 1855 a 1858( 1859). Translated by 'Abdolreżā Houšang Mahdavī. Tehran: Qatreh.
- Mahjoūb, Mohammad ja'far. (1371). Manliness in Islamic Iran. Journal of Iranian Studies (Irannameh), Year 11. No.1, p 7-16.
- Mostūfī, 'Abdollah. (1399). Šarh-e Zendegānī-ye Man. Social and administrative history of the Qajar period. Tehran: Zavār Publications.
- Mo'in, Mohammad. (1382). Farhang-e Mo'in.Vol.3. 1<sup>st</sup> Edition. Tehran: Amīr Kabīr.
- Modarresī 'Ālam, Ma'soom 'Alī Šāh, Mahjoūb, Mohammad ja'far (1339). Tarā'q al-Haqā'eq, 1<sup>st</sup> Edition. Vol.2. Tehran: Barānī Publications
- Mālekpoūr, Jamshīd (1358). Dramatic literature in Iran. The first attempts until the Qajar period .2<sup>nd</sup> Edition. Vol.1, Tehran: Toos.
- Morier, James Justinian (1386). A Journey through Persia, Armenia,. Translated by Abūlqāsem Sarī. Tehran:: Toos.
- Mīrja'farī, Hosseīn. (1356). Šāterī va Šātar Davānī dar 'Aṣr-e ṣafavīye. Journal of Art and People. No. 174, p 50-61.
- Yazdī, Šarafuddīn, Alī (935 AH). ḥafarnāmeh Teymoūrī. Vol.1. 1<sup>st</sup> Edition.Tehran: Golestan Palace.